



هنر، آموزش و اعتلای فرهنگ

در نشستی با: مژگان والی پور، آریا شکوهی اقبال، الهه جواهری
 (اعضای هیأت مؤسس ماه مهر)
 و گیلشا ضیاء پور، (مدیر مؤسسه فرهنگی هنری ماه مهر)



احمد رضا دالوند



الهه جواهری و آریا اقبال



مزگان والی پور

گلستانه: نظرتان درباره چرخه: گالری دار، آرتیست و اقتصاد هنر چیست؟
 مزگان والی پور: نگرش به این چرخه، به اعتقاد من نباید به صورت فردی باشد، گمان می‌کنم در این باره باید به یک دیدگاه گروهی و عقل جمعی دست پیدا کنیم. بدیهی است وقتی از فردگرایی و تکروی بپرهیزیم و به روح جمعی برسیم، این چرخه نیز شکل قانونمندی به خود می‌گیرد.
 گلستانه: لطفاً کمی بیش‌تر توضیح دهید.

والی پور: نظام‌مند شدن چرخه اقتصاد هنر، هم وظایف گالری‌دار را سنگین‌تر می‌کند و هم تعهد هنرمند را به هنرش ارتقاء می‌دهد. یعنی آرتیست باید بداند که درآمدهای اغواکننده زودگذر، بی‌تردید منافع دراز مدت او را تضمین نخواهد کرد. ما اکنون در یک دوره گذار به سر می‌بریم. دوره‌ای که در آن موج جدیدی راه افتاده که خرابی‌هایی دارد، آبادی‌هایی هم دارد. مقداری اشتباه و دستپاچگی در شروع این موج، طبیعی است. صورت مسئله به ارتباط میان: گالری‌دار، آرتیست و اقتصاد هنر مربوط می‌شود. توصیه من این است که آرتیست بهتر است خریدار را به گالری‌دار ارجاع دهد، خریدار هم به جای مراجعه مستقیم به آرتیست از مشورت و تجربه گالری‌دار استفاده کند. شک نکنید که هر عاملی خارج از این چرخه به موضوع وارد شود، کار را خراب می‌کند.

گلستانه: از تمایل خودتان به مقوله هنر و گرایش به حرفه گالری‌داری بگویید.
 والی پور: تخصص اولیه من رشته مترجمی زبان بود. اما به هنر همیشه علاقه‌مند بوده‌ام. به همین دلیل، در کلاس‌های هنری شرکت می‌کردم تا این

پدیده را بهتر و بیش‌تر بشناسم. برای این‌که در سال ۱۳۷۱ مجوز گالری‌ام را دریافت کنم، دو سال صبر کردم، اما وقتی فعالیت خود را آغاز کردم، خیلی زود فهمیدم که این حرفه گسترده‌تر و پیچیده‌تر از آن است که به‌طور جانبی و حاشیه‌ای به آن نگاه شود. این کار، یعنی زندگی در متن هنر و به‌خاطر هنر، همه دنیای مرا در برگرفت. در سخت‌ترین لحظات، هرگز به درآمد این کار دل نبسته‌ام، البته هرکس هر کاری که می‌کند، بالاخره باید از انجام آن به یک درآمد دست پیدا کند، اما در این حرفه، لذت انجام کار آن‌قدر مجذوب‌کننده است که هیچ درآمندی را با آن نمی‌توان مقایسه کرد. هر چند که درآمد در این رشته، در مقایسه با پیچیدگی‌ها و دشواری‌های آن خیلی قابل توجه نیست. می‌خواهم بگویم اگر کسی در این عرصه، به خبرگی نرسد و عاشقانه آن را دوست نداشته باشد، خیلی زودتر از آن‌که فکرش را بکنید به یک واسطه تبدیل می‌شود. درحالی‌که یک گالری‌دار، هم‌شأن یک مدیر فرهنگی است که به ظرافت‌های هنر آشناست و به ارزش‌های مادی و معنوی اثر هنری واقف است، کسی هم که ظرافت‌های هنر را بشناسد و دلشوره‌های هنرمند را بشناسد و نقش اجتماعی و تاریخی خود را به عنوان گالری‌دار مدنظر داشته باشد، هر چند که با مسائل اقتصادی در این رشته سر و کار پیدا کند، باز هم مدافع ارزش‌هایی خواهد بود که اثر هنری ممتاز را از آثار مبتذل جدا می‌کند. بنابراین یک گالری‌دار با تجربه و هنردوست، بهترین حامی هنر و هنرمند است. در شرایط حاضر، متأسفانه جریانات پراکنده‌ای وجود دارند که سعی دارند فعالیت نظام‌مند و قانونی گالری‌های رسمی را دور بزنند و آب را گل‌آلود کنند. منظور این است که حضور قانونمند گالری‌دارهای باتجربه و حرفه‌ای را نباید دست‌کم گرفت. هیچ‌کس به اندازه گالری‌دار، دلشوره آن را ندارد که در یک فضای سالم، نیالوده و مطمئن کار کند. درک این مسائل هم به نفع آرتیست است و هم به انتشار و گسترش ارزش‌های هنری در اعماق جامعه یاری می‌رساند. زیرا که ما، قبل از هر چیز داریم کار فرهنگی می‌کنیم. از طرف دیگر، هیچ‌کس به اندازه گالری‌دار صلاحیت آن را ندارد که درباره اقتصاد هنر نظر بدهد. برای این‌که در این حرفه جا بیفتیم و پیچیدگی‌ها و ظرایف آن را درک کنیم، آن‌قدر از عشق و علاقه شخصی خود مایه گذاشته‌ام، آن‌قدر سال‌های طولانی که محیط خیلی بسته بود و گالری‌ها سوت و کور بود، صبورانه و امیدوارانه چراغ گالری را روشن نگاه داشته‌ام، که امروز به خود حق بدهم که مدافع یک محیط سالم و امن باشم، محیطی که سطح فرهنگی مدیریت ما را و ارزش‌های یگانه هنرمندان ما را به رخ دنیا بکشد. برای این‌که توان خود را به رخ دنیا بکشیم باید از نظام‌مند شدن فعالیت‌ها در همه عرصه‌ها

حمایت کنیم. البته کسانی که راه صد ساله را یک‌شبه پیموده‌اند، از این موضع‌گیری من آزرده می‌شوند، اما واقعیت آن است که خود من از فروش یک تابلو، دو تابلو و... و با صبوری و متانت هم جانب هنرمند را نگه داشته‌ام و هم نظر خریدار را جلب کرده‌ام، در این میانه، آن‌قدر از روان‌شناسی، صبر، گذشت، مهر... مایه گذاشته‌ام که حالا می‌توانم با نظر صائب و تجربه کافی همه چرخه مرتبط با کارم را اداره کنم. تازه، همه این حرف‌ها به دورانی برمی‌گردد که من صرفاً مدیر نگارخانه والی بودم اما در این سال‌هایی که به اتفاق همکارانم مؤسسه فرهنگی هنری ماه مهر را تأسیس کردیم، در اکسپوهای بین‌المللی حضور یافتیم و در سطح وسیع‌تری به آموزش، ورکشاپ، نمایشگاه و فعالیت‌های متعدد فرهنگی پرداختیم، احساس می‌کنم به مهارت و پختگی بسیار خوبی دست پیدا کرده‌ام. این احساس حرفه‌ای بودن را در همکاران دیگرم در رأس مؤسسه ماه مهر نیز شاهد هستم. واقعیت آن است که در این سال‌ها چیزهای بسیاری آموختیم. میزان و حجم این آموخته‌ها و تجربه‌ها، در گذشته، اصلاً ماب‌ه‌زای خارجی نداشته است. همه‌چیز را خودمان با دست خودمان با روح صمیمانه همفکری و صداقت، ساخته‌ایم. سرمایه اولیه ما برای این حرکت غرورانگیز، پول نبود، روح صمیمانه، عزم راسخ و صداقت بود.

گلستانه: در طول سال‌های گذشته، چه عواملی غیر از نکاتی که به آن اشاره کردید، در خارج از جمع سه نفره شما به یاری تان آمد؟

والی‌پور: در سال ۱۳۷۷ تعدادی از نگارخانه‌دارها دور هم جمع شدیم تا یک‌سری نمایشگاه گروهی راه‌بندازیم. وقتی تعداد به حدود سی گالری رسید، اولین نمایشگاه جمعی را در فرهنگسرای نیاوران برگزار کردیم. در آن سال ما تازه با دکتر سمیع‌آذر آشنا شدیم. این نخستین‌باری بود که ما مورد توجه و حمایت یک نهاد دولتی قرار می‌گرفتیم. تا پیش از آن هیچ مدیر دولتی از نگارخانه‌ها بازدید نکرده بود. این اتفاق بسیار خوبی بود. دکتر سمیع‌آذر بخش بین‌الملل را فعال کرد و از گالری‌دارهایی که تمایل به فعالیت‌های بین‌المللی داشتند، حمایت کرد. من و یکی دو نفر دیگر از همکارانم تصمیم گرفتیم در آرت اکسپوی نیویورک شرکت کنیم. ما با اطلاعات کمی از بازار بین‌المللی به یک جامعه بزرگ هنری وارد شدیم. جایی که ۷۰۰ گالری از کشورهای مختلف جهان در آن شرکت کرده بودند و این برای ما تجربه بی‌نظیری بود. سفر موفقیت‌آمیزی بود، برای این‌که ما ۲۰۰ اثر هنری را از ۶۰ هنرمند ایرانی در آن‌جا به فروش رساندیم. هیچ‌یک از آثار شرکت داده شده در اکسپوی نیویورک را با خود برنگردانیدیم و همه را فروختیم.



آریاشکوهی اقبال و مژگان والی بور



آریاشکوهی اقبال

گلستانه: چه سالی از دانشگاه فارغ التحصیل شدید؟

آریاشکوهی اقبال: سال ۱۳۶۸.

گلستانه: چه عواملی منجر به شکل‌گیری گالری آریا شد؟

اقبال: در زمان دانشجویی (دهه ۶۰) به اتفاق لاله میزانی، فرح سیدابوالقاسم و نیلوفر ضیاء در رشته نقاشی تحصیل می‌کردیم. چهار نفرمان شاگردان روئین پاکباز بودیم و تز و پایان‌نامه‌هایمان را هم با استاد پاکباز گذرانده بودیم. من با همراهی دوستانی که نام بردم، در محلی که بعدها به اسم گالری آریا معروف شد، دور هم جمع می‌شدیم و به نقاشی می‌پرداختیم. در آن ایام، پاکباز بود، سعید شهلاپور بود که کار معماری داخلی گالری آریا را انجام داد، خیلی‌ها دور و بر ما بودند: منوچهر معتبر، عباس سارنج، حسن متقی (آرشیئتکت)، شهلا حبیبی، یعقوب امدادیان... البته روئین پاکباز به عنوان یک حامی و یک استاد همواره در کنار ما بود. فکر تأسیس یک گالری در همان آتلیه پی‌ریزی شد. فکر نیرومند و وسوسه‌انگیزی بود که با تکاپوی جمعی و تأیید و پشتیبانی پاکباز به واقعیت تبدیل شد. در همان ایام، انتشار «جنگ نقاشی گردون» به‌طور جانبی مؤثر بود. تأثیر این جنگ نقاشی به روح همکاری بین ما کمک زیادی کرد. در واقع، دوستی بی‌دریغ جمعی از هنرمندان که برخی از آن‌ها استاد دانشگاه یا آرشیئتکت بودند، آن نمایشگاه گروهی که هر نقاش با فروش یک اثر پولی فراهم کرد تا با آن بتوانیم گالری آریا را فعال کنیم... که خوشبختانه توانستیم بعدها، جبران کرده و مبالغه‌های هنرمندان را به آن‌ها تقدیم کنیم.

گلستانه: گالری آریا با نمایشگاه آثار کدام هنرمند افتتاح شد؟

اقبال: با نمایش آثار مرحوم جواد حمیدی.

گلستانه: مؤسسه فرهنگی هنری ماه مهر چه گونه شکل گرفت؟

اقبال: چند عامل و چند زمینه مختلف دست به دست هم داد تا در نهایت ماه مهر تأسیس شود. مثلاً قبل از تأسیس آموزشگاه آریا در سال ۱۳۸۱، با خانم مرگان والی‌پور (مدیر گالری والی) زمینه‌های مناسبی از دوستی و همفکری ایجاد شده بود. در همان ایام بود که می‌خواستیم اتحادیه گالری‌دارها را تأسیس کنیم. آن زمان، هیأت مؤسس اتحادیه گالری‌دارها شامل: عنایت‌الله نظری‌نوری (مدیر گالری نور)، لیلی گلستان (مدیر گالری گلستان)، مسعود نیاوندی (مدیر گالری نیاوندی)، علی اکبر صادقی (مدیر گالری سبز) و آریا شکوهی‌اقبال (مدیر گالری آریا) بودند. اما برای تشکیل این اتحادیه باید ۳۰ گالری با هم متحد می‌شدند. در سال ۷۷ یا ۷۶ بود که با همکاری ۳۰ گالری در فرهنگسرای نیاوران یک نمایشگاه جمعی بزرگ برپا کردیم، که پوسترش را نیز مرتضی ممیز طراحی کرد. مرکز هنرهای تجسمی وزارت ارشاد به ریاست دکتر سمیع‌آذر نیز در این اتفاق بسیار مؤثر بود. برای نخستین بار یک CD از ۳۰ گالری تهیه کردیم که با هزینه وزارت ارشاد و پشتیبانی فنی احمد کیارستمی این پروژه تحقق پیدا کرد. این اقدام منسجم و متمرکز موجب شد که فکر انتشار یک کاتالوگ راهنما برای هر فصل از فعالیت‌های هنرهای تجسمی مطرح شود. و این‌طور شد که مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی وزارت ارشاد از آن پس به‌طور منظم اقدام به نشر این راهنمای فصلی گالری‌ها کرد.

گلستانه: چه گونه به فکر حضور بین‌المللی، مثلاً آرت اکسپوی ۲۰۰۰ نیویورک افتادید؟

اقبال: ایده حضور در آرت اکسپوی ۲۰۰۰ نیویورک، با همراهی و همفکری عنایت‌الله نظری‌نوری، من و خانم والی‌پور مطرح شد. ارشاد هم حمایت کرد، اما قبل از آن تجربه برگزاری نمایشگاه در امریکا، کانادا و دبی داشتم. یاد می‌آید در زمانی که نمایشگاه درخشان را در کانادا برگزار کردم، اصلاً برای کانادایی‌ها و ایرانی‌های مقیم آن‌جا قابل تصور نبود که چنین کارهای فوق‌العاده‌ای در ایران خلق شود و یا این‌که اصلاً در ایران گالری‌داری به عنوان یک شغل جدی وجود دارد و یا این‌که یک زن می‌تواند چنین فعالیت اجتماعی داشته باشد. در عین حال کوچک‌ترین حمایتی هم از طرف ارشاد نمی‌شدیم حتی ارسال تابلوها و ساخت جعبه و همه چیز توسط خودمان صورت گرفت و بسیار سخت و ابتدایی بود.

گلستانه: مدیریت گالری و آموزشگاه تخصصی و فعالیت‌های متعدد فرهنگی برای

شما که یک نقاش تازه فارغ‌التحصیل شده و جوان بودید، با میل فردی به خلاقیت هنری را چه گونه در خودتان مهار کردید؟

اقبال: دلیل این همه فعالیت فقط و فقط عشق مرگبار من به نقاشی بوده و هست. هرچند که این شیفتگی من به نقاشی تاکنون بیش‌تر در راه فعالیت‌های مدیریتی و آموزشی مصرف شده و این یعنی صرف‌نظر کردن از جاه‌طلبی و خودخواهی شخصی‌ام... یعنی فرصت‌های خلاقه زیادی را از خودم دریغ کرده‌ام تا زمینه اشاعه و ترویج هنر را در جامعه به سهم خود فراهم کنم... البته، شک نکنید که بزودی کارها را طوری تنظیم می‌کنم که بتوانم تحت هر شرایطی چند روز در هفته را به نقاشی بپردازم. هرچند که تا به امروز با وجود مشغله زیاد هیچ‌وقت نقاشی کردن در برنامه من قطع نشده، اگرچه به‌شدت کم شده است.

گلستانه: بعد از آرت اکسپوی نیویورک، در مبادلات خارجی چه فعالیت‌های دیگری داشته‌اید؟

اقبال: از سال ۲۰۰۰ به بعد در چند اکسپو در فرانسه و سوئیس به اتفاق خانم والی‌پور شرکت کردیم. حضور در این اکسپوها، دیدگاه ما را نسبت به فعالیت‌های خارج از ایران گسترده‌تر کرد. هرچند که سال‌ها قبل از آن، یعنی از سال ۱۳۷۳، گالری آریا به تنهایی در امریکا، کانادا و دوبی حضور پیدا کرده بود، اما آن فعالیت در قالب اکسپو نبود.

گلستانه: به عنوان یک گالری‌دار و هنرمند، از این تجربه‌های بین‌المللی چه نتیجه‌ای گرفتید؟

اقبال: مطمئن شدم که نقاشان ما می‌توانند جایگاه مهمی در جهان داشته باشند، البته اگر زمینه لازم فراهم شود و کار واقعاً در دست کاردان باشد.

گلستانه: بیش‌تر توضیح دهید.

اقبال: یعنی افراد صاحب صلاحیت و مراکز رسمی مثل گالری‌های درجه یک، عهده‌دار کار باشند. چون که گالری‌دار در عوض اقدامی که انجام می‌دهد به آرتیست و به افکار عمومی و دوستان‌ان هنر، به خریدار اثر هنری و حتی به مراجع دولتی که متولی امور هنری هستند؛ پاسخگوست. بنابراین، حتی به خاطر حیثیت و اعتبار خودش هم که شده، همه کارهای مرتبط با حوزه خودش را به‌درستی و با کارشناسی انجام می‌دهد.

گلستانه: مؤسسه فرهنگی هنری ماه مهر چه زمانی تأسیس شد؟

اقبال: مؤسسه ماه مهر و مدرسه تخصصی گرافیک (ویژه) توسط ام‌الله فرهادی، حبیب مقدم و کمال کاملیا، هر دو در یک سال، یعنی در زمستان ۱۳۸۴ تأسیس شدند. ولی از چند سال قبل از آن چگونگی تشکیل دو مرکز آموزشی - تخصصی

موضوع بحث و تبادل نظر بین آقای فرهادی و من بود که کم‌کم با ایجاد زمینه‌های مناسب و صحبت با دوستان دیگر منجر به تأسیس این دو مرکز شد. گلستانه: کسب این همه تجربه، در شرایط حاضر توانسته است رضایت شما را فراهم کند؟

اقبال: ما در طول ۱۶ سال گذشته، با تکیه بر شفافیت، صداقت و عشق به اعتلای هنر این سرزمین دست به کار شدیم. من شخصاً از بزرگ‌ترین رؤیای زندگی‌ام که نقاشی باشد زدم تا برای نقاشان فضای مناسبی ایجاد شود که با اطمینان و آرامش کار کنند، تا جوانان علاقه‌مند، به آموزش‌های مورد نیاز خود دسترسی پیدا کنند. در طول این سال‌ها، نخستین تبادلات بین‌المللی را ایجاد کردیم تا ارزش هنرمندان ما در دنیا بیش‌تر دیده شود و اقتصاد هنر شروع به رشد کند. در این فرآیند، بالاخره نمی‌توان سهم ما را نادیده گرفت. البته مدتی است که جریان‌ات انحرافی که هدفی جز کسب درآمدهای بادآورده ندارند، به فضای شکوفای هنرهای تجسمی لطمه وارد می‌کنند. این عده نمی‌دانند که این

بازار چه‌طوری درست شده، نمی‌دانند چه مکانیزمی دارد. مکانیزم واسطه‌گری در بازار به سودهای مقطعی می‌انجامد، که فریبنده است. ولی ما در نرخ‌گذاری اثر هنری به دنبال سود مقطعی نیستیم، ممکن است با این طرز فکر در کوتاه مدت سودهای کلان نداشته باشیم، ولی ما، آگاهانه این سیاست را پیگیری می‌کنیم، برای این‌که به تداوم و امنیت بازار کار تحت شرایط نظام‌مند و سالم ایمان داریم.

گلستانه: در پایان، آیا مطلبی هست که بخواهید در مورد آن حرف بزنید؟

اقبال: می‌خواستم در مورد بخش آموزش ماه مهر به موضوع بسیار مهمی اشاره کنم که بدون همکاری و گذشت بی‌دریغ اساتیدمان که از روز اول با وجود تمام مشکلات، ما در این مؤسسه با نهایت بزرگواری، قدم به قدم ما و هنرجویان ما را یاری کردند، نمی‌توانستیم حتی ذره‌ای هم به اهداف آموزشی‌مان نزدیک شویم. اساتید ما به‌طور واقعی ماه مهر را از آن خودشان می‌دانند و همیشه بهترین پیشنهادهای را برای ما داشته‌اند و من امیدوارم که ما با ایجاد محیطی صمیمی و امکانات آموزشی مناسب ذره‌ای از محبت دوستان را جا بجا کنیم.

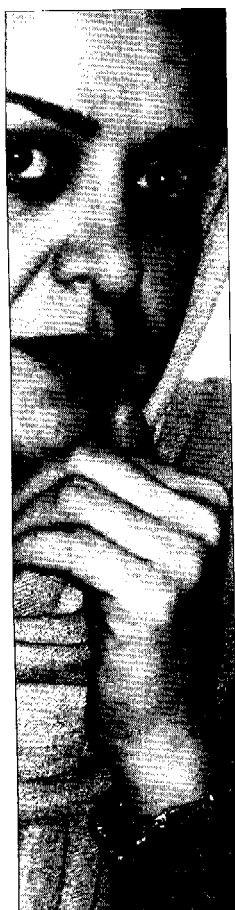
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

صحنه‌ای از مراسم گشایش ماه مهر در ساختمان جدید





مژگان والی پور و گیلشا ضیاء پور



الهه جواهری

گلستانه: گالری الهه در چه سالی و با آثار کدام هنرمند افتتاح شد؟
 الهه جواهری: در سال ۱۳۷۷ و با آثار منوچهر صفرزاده (مش صفر).
 گلستانه: انگیزه شما در افتتاح و راه اندازی گالری چه بود؟
 جواهری: در آن سال، احساس کردم باید حرکت جدیدی انجام شود. از آن جا که کنجکاوی زیادی نسبت به وضعیت هنر به ویژه در خارج وجود داشت، تصمیم گرفتم همزمان با گالری، سایت الهه را هم فعال کنم. الان حدود ده سال از فعالیت سایت و گالری الهه می‌گذرد. از طریق همین سایت، تماس‌های بسیاری از جاهای مختلف دنیا با من گرفته می‌شود. نکته جالب آن‌که، چون خارجی‌ها با اسامی هنرمندان ما آشنا نیستند، خیلی وقت‌ها آثار هنرمندان ناشناخته ایرانی را بدون سابقه ذهنی، خریداری می‌کنند.
 گلستانه: در ده سال گذشته، لابد جوانانی بوده‌اند که روزی نخستین نمايشگاه خود را در گالری شما برپا کردند و امروز در زمره نقاشان معروف به حساب می‌آیند، چند تایی را اسم می‌برید؟
 جواهری: خیلی. شاید الان به خاطر نداشته باشم، اما می‌توانم از حامد صحیحی و رکن‌الدین حائری نام ببرم که با گالری الهه شروع کردند و الان آرتیست‌های شناخته شده‌ای هستند.
 گلستانه: هنرمندانی که ارتباط پیوسته‌شان را با گالری شما حفظ کرده‌اند...
 جواهری: هانیبال‌الخاص، یعقوب عمامه‌پیچ، نیلوفر قادری‌نژاد، و...
 گلستانه: اما هیچ تعهدی میان این نقاشان و گالری شما نیست، یعنی قرارداد یا

تعهد دو جانبه‌ای بین طرفین برقرار نیست؟

جواهری: نه، آن‌ها در جاهای مختلف، آثارشان را به نمایش می‌گذارند، اما در عین حال به‌طور پیوسته با گالری الهه کار می‌کنند. در این رابطه یک تجربه در مؤسسه ماه مهر به دست آوردیم، این‌که تصمیم گرفتیم با ده هنرمند قراردادی را منعقد کنیم. در آن قرارداد، تعهد ماه مهر برپایی نمایشگاه، چه در داخل و چه در خارج بود، همچنین کوشش کنیم آثارشان را بفروشیم، اما هیچ تعهدی از آن‌ها نگرفتیم، مگر این‌که در جای دیگری نمایشگاه انفرادی برپا نکنند، اما می‌توانند در نمایشگاه‌های گروهی در هر جایی شرکت کنند... جالب است بدانید، که جز چند نفر، بقیه خیلی به عهد خود وفا نکردند.

گلستانه: «هفت نگاه» در چه سالی شکل گرفت، شامل کدام گالری‌هاست و زمینه‌های شکل‌گیری آن به چه صورتی بود؟

جواهری: در سال ۱۳۸۵ شکل گرفت و شامل هفت گالری به نام‌های: گالری دی، گلستان، ۷ ثمر، ماه مهر، آریا، والی و الهه است. زمینه‌های شکل‌گیری «هفت نگاه» به این صورت بود که یک سلسله کلاس‌های آموزش هنر در مؤسسه ماه مهر برای مدیران فرهنگسرای شهرداری تهران برگزار می‌شد. در آن زمان آقای محسن هاشمی مدیر موزه امام علی (ع) بود. ایشان به این کلاس‌ها رفت‌وآمد داشت. فکر همکاری چند گالری با هم را محسن هاشمی مطرح کرد، در ضمن قول مساعدت و کمک برای اولین نمایشگاه را نیز داد. این چنین شد که با مشورت تعدادی از گالری‌ها، از فرهنگسرای نیاوران برای یک نمایشگاه گروهی وقت گرفتیم. نام هفت نگاه را هم با همفکری و موافقت جمع برای این حرکت

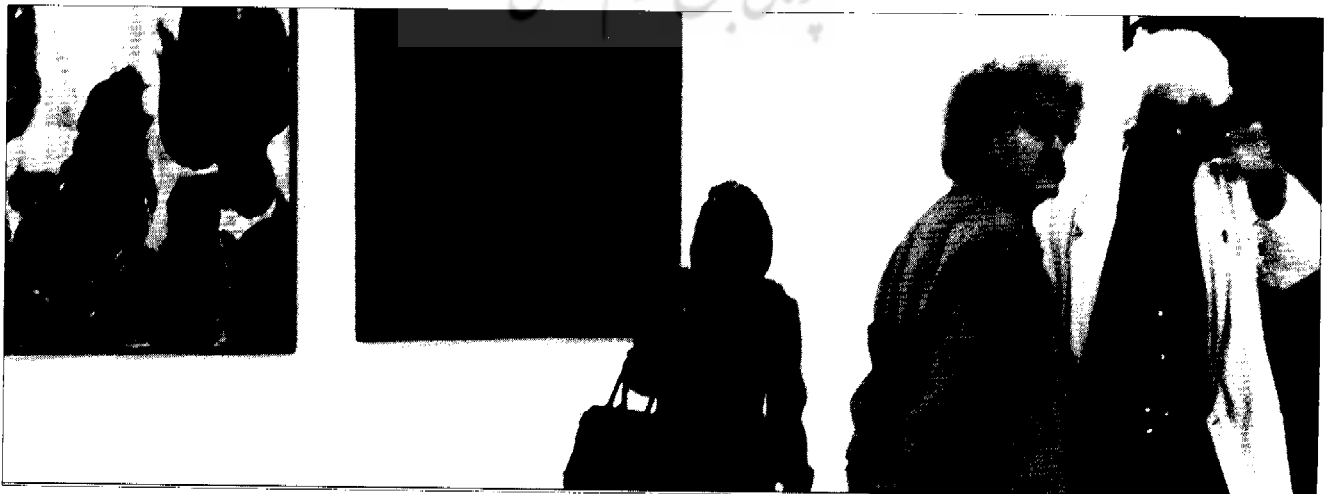
جمعی انتخاب کردیم. نکته جالب در فروش هفت نگاه، این است که وقتی آثار به فروش می‌رسد، درآمد حاصله به هفت تقسیم می‌شود، به‌طور مساوی و برابر. گلستانه: درباره خرید و فروش اثر و جریان غیررسمی که به دست افراد صورت می‌گیرد چه نظری دارید؟

جواهری: مواردی هست که خریداری به سراغ هنرمند می‌رود، که ممکن است هنرمند و او را به ما ارجاع دهد، در چنین مواردی ما هم به هنرمند و هم به خریدار مشورت لازم را ارائه می‌دهیم و از محل این خرید و فروش، هیچ درصدی را نیز مطالبه نمی‌کنیم. البته هنگامی از درصد گالری می‌گذریم که هنرمند خودش را به گالری متعهد بداند. یعنی با ارجاع خریدار به گالری به فضای اصولی اقتصاد هنر کمک کند.

گلستانه: دقیق‌تر توضیح دهید.

جواهری: یک خرید و فروش آزاد، که به‌طور انفرادی میان خریدار و هنرمند صورت می‌گیرد، چنانچه تبدیل به دفعات زیادی شود، هنرمند بلا تکلیف می‌شود، چون با عده زیادی کار می‌کند، خریدار هم تکلیف خود را نمی‌داند، این خصلت تک‌فروشی غیرنظام‌مند است، که همواره جای انواع سوءتعبیرها و سوءتفاهم‌ها را فراهم می‌کند. یکی از طرفین فکر می‌کند پول زیادی داده، دیگری ممکن است فکر کند کلاه سرش رفته است. هنرمندی که به‌طور پاکیزه و اصولی به گالری‌دار کار می‌کند، این فرهنگ را تقویت می‌کند که خرید اثر هنری از مسیر اصولی‌اش رخ دهد.

گلستانه: گالری الهه در تبادل با خارج از کشور، چه تجربه‌هایی داشته است؟



صحنه‌ای از مراسم گشایش ماه مهر در ساختمان جدید



گیلشا ضیاء پور

علمی و مؤثر مقوله آموزش هنر اشاره کرد که با عنایت به جلب اساتید مجرب، این بخش برای مدیریت مؤسسه دارای اهمیت بسیار زیادی است.
گلستانه: اعضای هیأت مؤسس ماه مهر، بنابر شواهد موجود از نخستین کسانی بودند که ارتباطات بین‌المللی را در عرصه هنرهای تجسمی آغاز کردند...

ضیاء پور: بله، همین‌طور است. گالری آریا، گالری الهه و گالری والی از بنیانگذاران توسعه و اشاعه هنرهای تجسمی ایران در خارج از مرزها بودند. این تجربه‌ها، هم‌اینک در مؤسسه ماه مهر تجمع پیدا کرده و با درایت و آگاهی بسیار خوبی مورد توجه قرار می‌گیرد. میزان تجربه و آگاهی جمع شده در درون ماه مهر در حدی است که می‌تواند هم به اعتبار فرهنگی نام ایران در دنیا یاری کند و هم چرخه‌ای از چرخه اقتصاد نوپای هنر را با سلامت و صمیمیت به حرکت درآورد. مسئله دیگر در رابطه با گالری ماه مهر، فروش داخلی آثار هنری است که این گالری با تکیه بر سیاست‌های عالمانه اعضای هیأت مدیره، سعی می‌کند مخاطب ایرانی را با ارزش‌های هنری بیش‌تر آشنا کند. برای نمایشگاه‌های متعدد در طول سال، اطلاع‌رسانی فراگیر که منجر به افزایش بار معنوی و فرهنگی مخاطبان می‌شود، نظیر بوتلن خبری - تخصصی ماه مهر که نقش تعیین‌کننده‌ای در فرهنگ‌سازی و اشاعه مقولات هنری و از سوی دیگر در جذب اذهان عمومی و جوانان علاقه‌مند به آموزش هنر دارد. بخش آموزش که همان مدرسه تخصصی هنر در قلب مؤسسه ماه مهر است، در واقع یکی از قطب‌های مهم ماه مهر است که نوعی تعهد اخلاقی برای ما ایجاد می‌کند که بهترین‌ها را برگزینیم و واحدهای درسی مفید و اثرگذار را برای علاقه‌مندان ایجاد کنیم. یعنی، ما در حد و اندازه‌های خودمان سعی داریم وظیفه مقدس آموزش را به درستی و در سطح بسیار چشمگیری ارائه کنیم، به همین دلیل از بهترین و برگزیده‌ترین اساتید این رشته استفاده می‌کنیم. در افق دید ما، ایده‌هایی مثل تأسیس آموزشگاه تخصصی ماه مهر در استان‌های مختلف و حتی در خارج از کشور است، هرچند که تحقق چنین آرمان زیبایی فعلاً دور از ذهن است، اما به نیت خود مطمئن هستیم. ما می‌دانیم که اجرای یک کلاس آموزشی غیرمؤثر و ضعیف چه تأثیر مخربی بر ذهن جوانان وارد می‌کند. به همین علت

جواهری: در سال‌های ۸۲ و ۱۳۸۳ دو نمایشگاه از زنان نقاش ایرانی در بروکسل برگزار کردیم. متقابلاً از تعدادی هنرمند بلژیکی نیز در گالری الهه نمایشگاه گذاشتیم. با کشور آلمان هم تبادل فرهنگی داشته‌ام و سه نمایشگاه از آثار هنرمندان مان را در «آرت کلن» و یک نمایشگاه گروهی نیز در «گالری تامن» آلمان برگزار کردیم. بعد از «بازل»، آرت کلن اهمیت دوم را در اروپا دارد.

گلستانه: این تجربه‌ها و سوابق، امروزه به مؤسسه ماه مهر هم منتقل می‌شود؟
جواهری: حتماً همین‌طور است. همه ما سعی کرده‌ایم از تجارب گذشته خود در ترفیع و تقویت مؤسسه فرهنگی هنری ماه مهر استفاده کنیم... مثلاً در سال ۱۳۸۵ یک نمایشگاه در مالزی برپا کردیم. در آبان امسال با همکاری یک گالری معتبر در دبی نمایشگاهی از مصطفی دشتی برگزار کرده‌ایم و در صدد افزایش این‌گونه فعالیت‌ها هستیم.

گلستانه: مؤسسه فرهنگی هنری ماه مهر از چند بخش تشکیل شده است؟
گیلشا ضیاء پور: ماه مهر از چند زیرمجموعه تشکیل شده است: گالری ماه مهر، مدرسه تخصصی هنر (واحد آموزش)، بوفه گالری ماه مهر، بخش‌های اداری که شامل بخش مالی و آموزش می‌شود. البته در رأس مؤسسه یک هیأت مدیره وجود دارد که همان اعضای هیأت مؤسس ماه مهر هستند.
گلستانه: کدام یک از بخش‌های مؤسسه ماه مهر اهمیت بیش‌تری دارد؟ هرچند که می‌دانیم جنابعالی مدت زیادی نیست که مدیر مؤسسه شده‌اید.

ضیاء پور: ما دو کار اساسی در ماه مهر داریم: گالری و آموزش. وظیفه گالری ماه مهر نمایش آثار هنری و بالطبع فروش اثر و ورود به مقوله اقتصاد هنر است که در دل خود جنبه اشاعه و ترویج هنر را چه در قالب نمایشگاه و چه Work Shop نیز دنبال می‌کند. علاوه بر این، ایجاد ارتباطات وسیع داخلی و خارجی نیز از درون گالری شکل می‌گیرد، که یکی از اهداف اساسی مؤسسه فرهنگی هنری ماه مهر نیز محسوب می‌شود. در رابطه با مبحث آموزش می‌توان به بسترسازی

(طراحی پیشرفته)، نیلوفر قادری نژاد (طراحی فیگور)، شهریار توکلی (عکاسی طبیعت و کارگاه آزاد عکاسی)، بهمن جلالی (عکاسی پایه)، حمید سوری (آشنایی با عکاسی معاصر)، محمد غفوری (عکاسی تبلیغات، نورپردازی، پرتره)، فرهاد فخریان (عکاسی پایه، پرتره، پیشرفته)، مهران مهاجر (درباره عکاسی)، سهیلا ماهرینا (زبان تخصصی هنر - انگلیسی)، حمید سوری (زبان تخصصی هنر - انگلیسی)، مهران مهاجر (زبان تخصصی هنر - انگلیسی) و... در ضمن مؤسسه فرهنگی هنری ماه مهر در نظر دارد به منظور ارتقای سطح کیفی آموزش نقاشی، دوره نقاشی مدرن را طی دو سال با ارائه دروس نقاشی مدرن، طراحی، زیبایی‌شناسی و نقد هنری، تاریخ تحلیلی هنر و اصول ارتباطات بصری برگزار کند. در دوره دو ساله نقاشی مدرن، به فارغ‌التحصیلان گواهی پایان دوره داده خواهد شد و داوطلبان برای حضور در این دوره، نیازی به ارائه مدرک دانشگاهی ندارند.

دلشوره آن را همواره داشته‌ایم که کلاس‌هایی در استاندارد بالا و کیفیت آموزشی قابل دفاع برپا کنیم. امروزه، با جرأت می‌توانیم بگوییم ما به نوعی کمک حال آموزشگاه‌های هنری رسمی و دولتی هستیم. مثلاً در مؤسسه فرهنگی هنری ماه مهر یک واحد آموزشی داریم که از اساتیدی همچون: آیدین آغداشلو (درس تاریخ هنر)، دکتر علیرضا سمیع‌آذر (تاریخ هنر معاصر)، دکتر حمید کشمیرشکن (هنر ایران در سده بیستم)، پرویز تناولی (مجسمه‌سازی)، کامبیز درم‌بخش (کاریکاتور)، دکتر شهرام رحیمی (روان‌شناسی خلاقیت)، غزاله هدایت (تجزیه و تحلیل آثار هنری)، نصرت‌الله مسلمیان (آموزش نقاشی به روش کارگاهی)، علی نصیر (کلاس‌های آزاد نقاشی)، کریم نصر (تصویرسازی)، امین نورانی (مطالعه تناسب در رنگ، نور و طبیعت)، جمال‌الدین خرمی‌نژاد (دوره نقاشی، ترکیب رنگ روغن و آکرلیک)، سیاوش مظلومی‌پور (کارگاه نقاشی آبرنگ)، پری‌پوش گنجی (طراحی پارچه)، حسام‌الدین جلالی (طراحی لباس)، علیرضا جدی

محنت‌های از مراسم گشایش ماه مهر در ساختمان جدید

